



۵ ماه پس از قتل پدر

دختر جوان با رضایت برادرش بخشیده شد

گروه حوادث/ دختر جوان که در اقدامی کینه‌جویانه پدرش را به قتل رسانده بود با رضایت تنها برادرش و با حکم قضات دادگاه کیفری آزاد شد.

به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، شهریار امسال خیر درگیری مرکب‌بازی به مأموران کلانتری ۱۲۶ تهرانپارس اعلام شد. پس از آن مأموران به محل اعزام شدند و با بررسی‌های اولیه مشخص شد که مرد ۵۰ ساله‌ای با ضربه‌های متعدد چاقو به قتل رسیده است. شواهد اولیه حاکی از آن بود که در زمان قتل دختر و پسر مقتول در خانه حضور داشتند. از این رو مأموران تحقیقات را با بازجویی از آنها پی گرفتند.

دختر ۲۲ ساله در توضیح ماجرا به مأموران گفت: در لحظه حادثه من و برادر ۲۰ ساله‌ام به نام سعید که معلول است در خانه بودیم و مادرمان برای خرید از خانه خارج شده بود که به یکباره مردی که صورتش را پوشانده بود از حیاط وارد خانه شد، وقتی پرسیدم کیست و چه کار دارد گفت آمده‌ام پدرت را ادب کنم. بعد هم جلوی چشمان من و برادرم، پدرمان را که روی میل دراز کشیده بود به قتل رساند و به سرعت از خانه فرار کرد. وی در ادامه به مأموران گفت:

مطالب سیاسی نوشته بود تا پدرم را به اتهام همکاری با معاندین و ضدانقلاب دستگیر کنند اما وقتی مدتی گذشت و کسی سراغ پدرم نیامد تصمیم به قتل او گرفت. آن روز وقتی مادرم از خانه خارج شد خواهرم به من گفت تا صدای ضبط را زیاد کنم بعد هم به اتاق رفت و در حالی که پدرم را با چاقو کشته بود و سر و صورتش خونی بود از اتاق بیرون آمد و گفت کارش تمام شد. دقایقی بعد هم با جیب و داد همسایه‌ها را خبر کرد و به دروغ گفت مردی غریبه پدرمان را کشته است.

پس از اظهارات پسر جوان، متهم بار دیگر تحت بازجویی قرار گرفت و وقتی فهمید برادرش ماجرا را شرح داده به ناچار لب به اعتراف گشود و به قتل پدرش اعتراف کرد.

تحصیل داد و نه موافق بود سر کار بروم. مادرم زن مظلومی بود و برادرم هم ویلچرنشین و هر سه نفرمان از دست رفتارهای پدرم آزار می‌دیدیم. منم در حالی که اشک می‌ریخت، افزود: او حتی حاضر نبود برای درمان برادرم هزینه کند. پزشکان گفته بودند معلولیت برادرم با کاردرمانی کمتر می‌شود، اما پدرم توجهی نمی‌کرد. او فقط پول‌هایش را برای خودش خرج می‌کرد. باور کنید خوراکی‌هایی را هم که برای خودش می‌خرید به داخل خانه نمی‌آورد و در پشت بام می‌خورد که به ما ندهد. دیگر خسته شده بودم. تا اینکه روز حادثه مادرم

را برای خرید بیرون فرستادم و بعد دو کار از آشپزخانه برداشتم و بالای سر پدرم رفتم که خواب بود و همان لحظه چند ضربه به او زدم که اصلاً متوجه تعداد ضربه‌ها نشدم و فقط وقتی پزشکی قانونی اعلام کرد که مقتول ۱۸ ضربه چاقو خورده، فهمیدم چند ضربه زده بودم. با پایان دفاعیات متهم، قضات برای صدور رأی وارد شور شدند و طبق ماده ۶۱۲ قانون مجازات اسلامی وی را به ۵ ماه حبس محکوم کردند که با احتساب ایام

بازداشت از زندان آزاد شد.



۱۰ کشته در انفجار کارخانه ترقه‌سازی



انفجار در یک واحد تولیدی وسایل آتش بازی و ترقه در ویروندناگار ایالت تامیل نادو هند، ۱۰ کشته برجا گذاشت. به گزارش هندوستان تایمز، این حادثه صبح یکشنبه در یک واحد ترقه‌سازی در راموتھوانپاتی در بلوک ومباکوئی زمانی رخ داد که کارگران در حال مخلوط کردن مواد شیمیایی برای تولید کراکهای فانتزی بودند.

یک مقام ارشد در اداره منطقه ویروندناگار اعلام کرد که انفجار به دلیل یک خطای انسانی رخ داده است. انفجار در داخل اتاق اختلاط مواد شیمیایی رخ داد که منجر به تلفات زیادی شد. بر اثر این انفجار ۱۰ نفر از جمله چهار زن کشته و چهار نفر مجروح شدند. مالک و مدیر این واحد پس از حادثه مخفی شده‌اند اما برای آنها پرونده قضایی تشکیل شده است.

مرگ ۳ کارگر در ریزش ساختمان



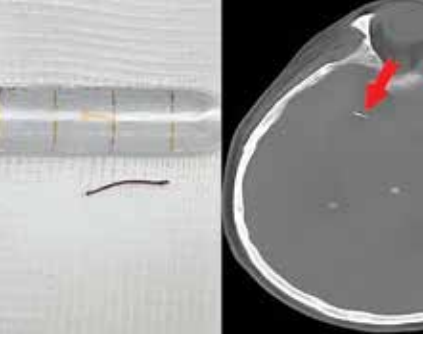
ریزش ساختمان سوپرمارکت در حال ساخت در شهر فلورانس ایتالیا دست کم سبب کشته شدن ۳ کارگر شد.

به گزارش آسوشیتدپرس، مقامات محلی ایتالیا روز شنبه اعلام کردند که ریزش یک ساختمان سوپرمارکت در حال ساخت در شهر فلورانس ایتالیا دست کم سه کارگر را کشت و دو نفر دیگر ناپدید شدند.

این حادثه زمانی رخ داد که یک تیر پتن روی یک ساختمان پیش ساخته محل تجمع کارگران سقوط کرد و سپس ساختمان فرو ریخت. سه کارگر دیگر که از زیر آوار ساختمان فروریخته بیرون آورده شده بودند به بیمارستان‌های محلی منتقل شدند و گفته شد که وضعیت آنها وخیم است. یوچیو جیانی، رئیس منطقه توسکانی شهر فلورانس، گفت که در زمان حادثه حدود ۵۰ نفر در محل حضور داشتند، اما گزارش شده است که هشت کارگر در زمان ریزش در اتاق پیش ساخته بوده‌اند. سوپرمارکت در حال ساخت بخشی از فروشگاه زنجیره‌ای اسسولونگا ایتالیا است. داریو ناردا، شهردار فلورانس، در پی وقوع این حادثه، در این شهر یک روز عزای عمومی اعلام کرد.

پیدا شدن سوزن در جمجمه مرد

چینی



پیرمرد چینی وقتی به پزشکان مراجعه کرده بود، متوجه شد که یک سوزن طب سوزنی در مغزش فرو رفته که ۲۰ سال آنجا بوده است. اسکن‌ها نشان داد که سوزن طلایی رنگ و کمی نوک‌تیز نیم‌اینچی در داخل شریان مغز این مرد ۷۴ ساله قرار گرفته است. این سوزن باعث خونریزی داخلی شده بود که او را با مشکلات حافظه مواجه می‌کرد و باعث شد که به بیمارستان منتقل شود.

خانواده او می‌گویند که این سوزن احتمالاً دو دهه است که وجود داشته، چراکه آنها فقط می‌توانند به یاد بیآورند که او در اوایل دهه ۲۰۰۰ برای یک میگرن مداوم طب سوزنی کرده است.

این سوزن از طریق جراحی که شامل بریدن جمجمه بود برداشته شد. این مرد اهل سیچوان چین زنده ماند، اما سه هفته بعد پس از ابتلا به عفونت ریه درگذشت.

مشخص نیست که چه چیزی منجر به فرو رفتن این سوزن شده است، اما این می‌تواند به افتادن، ضربه شدید به سر یا به دلیل تغییر موقعیت سوزن در جمجمه مرتبط باشد.

پزشکان این مرد را مبتلا به یک آنوریسم کاذب داخل جمجمه‌ای تشخیص دادند؛ زمانی که خون از یک رگ در مغز نشت می‌کند، اما توسط بافت اطراف آن ثابت می‌شود.

پزشکان گفتند این مورد اولین مورد ثبت شده در ادبیات پزشکی از یک مرد مبتلا به آنوریسم کاذب ناشی از سوزن طب سوزنی است.

قتل همسر سابق مقابل شورای حل اختلاف

گروه حوادث/ مرد خشمگین وقتی نتوانست در شورای حل اختلاف با همسر سابقش به توافق برسد پس از خروج از این مرکز با شلیک گلوله زن جوان را به قتل رساند.

سرهنگ ایرج کاکوند فرمانده انتظامی شهرستان کاشان در تشریح این خبر گفت: مرد جوان که به علت اختلاف با همسر سابق خود با اسلحه گرم اقدام به قتل وی کرده و از محل متواری شده بود، در عملیات مأموران انتظامی این شهرستان نیم‌ساعت پس از جنایت دستگیر شد. این فرد که برای حل اختلاف به همسر همسر سابقش به یکی از مراکز حل اختلاف مراجعه کرده بودند پس از پایان جلسه و هنگام بیرون آمدن از آن

آتش سوزی در هتل آپارتمان مشهد

گروه حوادث/ نشست گاز در یک هتل آپارتمان در محدوده حرم رضوی منجر به آتش سوزی شد.

مهدی رضایی معاون عملیات سازمان آتش‌نشانی مشهد گفت: نشست گاز در آشپزخانه هتل آپارتمانی در محدوده خیابان «نوغان» این شهر منجر به وقوع آتش سوزی در این مجموعه شد.

این آتش سوزی روز یکشنبه در آشپزخانه این هتل آپارتمان رخ داد و آتش‌نشانان به سرعت به محل اعزام شدند. دود ناشی از این آتش سوزی به طبقات این مجموعه سرایت کرده بود که آتش به سرعت مهار شد و افراد داخل هتل آپارتمان به بیرون منتقل شدند.

معاون عملیات سازمان آتش‌نشانی مشهد گفت: این آتش سوزی تلفات جانی نداشت و علت دقیق وقوع آن در دست بررسی است.

دادگاه خانواده

ازدواج با دختر عمو برای محروم نشدن از ارثیه پدری



گروه حوادث/ بارش برف زمستانی همه جا را سفیدپوش کرده بود، در پارک روبه‌روی دادگاه خانواده بچه‌ها فارغ از هر فکر و خیالی خوشحال از بارش برف سرگرم بازی و شادی بودند.

در همین موقع ناگهان صدای هق هق گریه زنی جوان که روی زمین نشسته بود توجه‌ها را به خود جلب کرد. پسر جوانی بالای سرش ایستاده بود و می‌گفت من طلاق نمی‌دهم انقدر با من لجبازی نکن. در همین موقع سرباز مقابل دادگاه خانواده به سمت آنها آمد و علت این تنش را جویا شد اما زن جوان در حالی که همچنان گریه می‌کرد برگه ابلاغیه را به سرباز نشان داد و گفت: من ساعت ۱۰ وقت رسیدگی دارم کجا باید بروم؟

با راهنمایی سرباز آنها به طبقه دوم دادگاه رفته و وارد شعبه شدند.

قاضی وقتی چهره آشفته و ناراحت نغمه را دید، گفت: دخترم آرام باش تعریف کن چرا درخواست طلاق داده‌ای؟

اما به جای زن جوان، شوهرش بلند شد و گفت: جناب قاضی همسرم دارد لجبازی می‌کند ما نباید از هم جدا شویم چون آینده هر دو نفرمان نابود می‌شود ما پسرعمو و دخترعمو هستیم. هنوز دو ماه از عقد ما نگذشته همسرم می‌گوید به من علاقه‌ای ندارد و دادخواست طلاق داده، آقای قاضی من از شما می‌خواهم او را نصیحت کنید برگردد سرزندگی من. من با وجود مشکلات زیاد و مواردی که قابل بیان نیست دوست ندارم از او طلاق بگیرم.

قاضی رو به دختر جوان کرد و گفت همسرت درست می‌گوید؟ نغمه اشک‌هایش را پاک کرد و گفت: بله آقای قاضی ما دخترعمو و پسرعمو هستیم اما اصل کسی از من سؤال نکرد که به او علاقه دارم یا ندارم؟ من مرد دیگری را دوست دارم از اول هم عاشق او بودم. این را روز اول به این آقا گفتم اما او توجه نکرد. آقای قاضی دو ماه است که ما اصلاً هیچ حرف مشترکی باهم نداشته‌ایم اصلاً دو روز هم کنار هم نبودیم نمی‌دانم چرا او نمی‌خواهد این را باور کند. سهراب با شنیدن این حرف‌ها گفت: تو فکر می‌کنی تحمل این زندگی برای من راحت است؟ کدام مردی می‌تواند تحمل کند همسرش در چشمانش زل بزند و بگوید عاشق یک نفر دیگر است؟ من در این دو ماه خیلی تلاش کردم تو را به خودم و این زندگی علاقه‌مند کنم اما انگار تو نمی‌خواهی با من کنار بیایی.

سپس رو به قاضی کرد و گفت: من نغمه را دوست داشتم هنوز هم دارم اما به عنوان دختر عمومیم راستش را بخواهید موضوعی هست که باید به شما بگویم. اگر به خاطر اموال و دارایی پدرم نبود من هم هرگز تن به ازدواج با نغمه نمی‌دادم. پدرم مرا مجبور کرده اگر با او ازدواج نکنم از ارث محروم می‌شوم. من چاره‌ای نداشتم البته فکر می‌کردم این حرف‌های نغمه که من را دوست ندارد یا به مرد دیگری علاقه دارد هم‌اش بیانه است برای اذیت کردن من و برگرداندن دوست‌ندارم او را اذیت کنم در این دو ماه خسته شدم.

قاضی با شنیدن این حرف‌ها گفت: یعنی شما دو نفر هیچ علاقه‌ای به این ازدواج نداشتید؟

نغمه گفت: بله آقای قاضی، اما در خانواده ما رسم این است که حق نداریم روی حرف بزرگترها حرف بزنیم. ما به اجبار خانواده‌هایمان پای سفره عقد نشستیم و بله گفتیم. من تازه الان فهمیدم که چرا

سهراب سکوت کرده بود و هیچ حرفی نمی‌زد. عمومی من برایش شرط گذاشته که اگر با من ازدواج نکند او را از ارث محروم می‌کند و باید از خانه آنها هم برود. سهراب گفت: آقای قاضی من امیدوار بودم عشق و علاقه بین ما بعد از ازدواج به وجود بیاید اما نشد و خانواده‌هایمان هم درگیر این ماجرا شدند.

قاضی گفت: این بزرگ‌ترین اشتباه خانواده‌ها بوده که شما را مجبور کردند تن به این ازدواج بدهید ای کاش قبل از این اتفاقات با آنها حرف می‌زدید.

سهراب گفت: آقای قاضی شما پدران ما را نمی‌شناسید الان هم از شما می‌خواهیم که با آنها صحبت کنید شاید راضی شوند ما از هم جدا شویم.

قاضی به مدیر دفترش گفت یک وقت رسیدگی دیگر برای این زوج تعیین کند و پدرانشان را دعوت کند تا در آن جلسه شرکت کنند شاید مشکل این زوج حل شود.

امیرحسین صفدری، کارشناس حقوقی به متأسفانه رسم و رسوم غلط آسیب‌های زیادی به جامعه و مخصوصاً جوانان وارد می‌کند. در این پرونده مشاهده می‌کنید که این زوج جوان از سر اجبار با هم ازدواج کرده‌اند و خانواده آنها بر این باور بوده‌اند که بعد از ازدواج عشق و علاقه بین آنها به وجود می‌آید که این یک تصور اشتباه است. ازدواج باید با علاقه و شناخت همراه باشد.

زوجین جوان باید بدانند هرگز بدون تفکر و بر اساس تصمیم دیگران نباید ازدواج کنند البته مشورت و همفکری با خانواده و پدر و مادر شرط اصلی انتخاب ازدواج است اما اجبار نباید در کار باشد.